

بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

دکتر آذر اسکندری چراتی*

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر طراحی گردیده که تعداد ۶۴ نفر (برابر با کل جامعه آماری) به روش کل شماری پرسش نامه مربوطه را تکمیل کردند. برای سنجش متغیر وابسته از پرسشنامه استاندارد شده مشارکت سیاسی و برای سنجش سایر متغیرها از پرسش نامه محقق ساخته با اعتبار یابی (۹۳ درصد) استفاده شده است و از تکنیک‌های آماری کای اسکوئر، آزمون T، ضریب همبستگی اسپیرمن و آنوا بهره گرفته شده است. تحلیل توصیفی داده‌ها نشان داد که ۶۲٫۲ درصد پاسخگویان دارای مشارکت در سطح بالا و ۲۴٫۱ درصد پاسخگویان دارای مشارکت در سطح متوسط و ۱۳٫۷ درصد پاسخگویان دارای مشارکت در سطح پایین بوده اند. نتایج تحلیل همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل نشان داد که بین میزان تحصیلات، سن، انگیزه زنان شاغل، تشکل‌های سیاسی و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود دارد، اما بین وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی زنان هیچ رابطه‌ی معنی داری مشاهده نشده است. در بررسی مدل رگرسیونی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان نشان داد که این عوامل می‌توانند ۶۸ درصد متغیر وابسته را تبیین نمایند و در نتایج تحلیل مسیر، پس از محاسبه اثرات علی کل، نشان داده است که متغیر انگیزه زنان شاغل بالاترین سهم را در تبیین به عهده داشته است و بعد از آن به ترتیب متغیرهای تحصیلات، تشکل‌های سیاسی و سن در مراتب بعدی این تحلیل قرار گرفت و متغیری که کمترین سهم را در تاثیر داشت وضعیت تاهل زنان شاغل بود.

کلیدواژه‌ها

مشارکت، مشارکت سیاسی زنان؛ تمایل به مشارکت؛ زنان شاغل؛ دانشگاه آزاد اسلامی.

۱. بیان مساله

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است به درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد.

مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی (و نخبگان) حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی (پناهی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) معنا یابد؛ ولی در هر صورت، در بین اقشار مختلف جامعه اعم از زن و مرد همواره مطرح بوده است. هر جامعه‌ای برای تحقق اهداف توسعه‌گرایانه، بایستی از تمامی منابع انسانی خود بهره گیرد. زنان هر جامعه، نیروی محوری و بنیادی محسوب می‌شوند که اشتغال و فعالیت آنان دوشادوش مردان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در رشد، توسعه و سازندگی جامعه دارد؛ ولی هنگامی که حضور زنان در فرآیند مشارکت سیاسی به گونه‌ای است که همانند رأی‌دهندگان سربه راه، تنها در روز رأی‌گیری پای صندوق‌ها حضور پیدا می‌کنند (حافظیان، ۱۳۸۱) این امر، سبب ایجاد یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می‌گردد.

اگرچه زنان ایران، نقش فعال و سازنده‌ای در شکل‌گیری و نهادینه شدن روند انقلاب اسلامی داشته‌اند، ولی آنچنان که شایسته است از سهم متناسب در ساخت قدرت سیاسی برخوردار نشده‌اند و در مواضع و تصمیم‌گیری‌ها و مناصب قدرت، حضوری کم‌رنگ دارند. یکی از مهمترین مسائل هر جامعه رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی آن می‌باشد که به لحاظ اهمیت و اعتبار خاصی که دارد، معمولاً در رأس دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد. از نظر اندیشمندان اجتماعی توسعه هر جامعه ای متضمن یک سری مبانی، معیارها و عوامل می‌باشد و در این میان حضور فعالانه در صحنه‌های مختلف جامعه و به اصطلاح مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان از عوامل بسیار مهم و حیاتی در امر توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. از آنجا که همواره زنان نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند چنین انتظار می‌رود که این نیروی بالقوه گسترده با مشارکت بالفعل خود در طیف‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چرخ‌های جامعه را همگام با مردان به حرکت در آورده و توفیقات روزافزون از این

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

رهگذر به بار آورد. لذا قدر مسلم آن است که نقش زنان در ساختار قدرت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نباید کم اهمیت شمرده شود و این امر میسر نخواهد شد مگر در سایه افزایش توانایی و قدرت مدیریتی آن در سطوح مختلف.

مشارکت سیاسی حق مردم و برخاسته از اقدام آگاهانه و هماهنگ آنان است. براین اساس زنان به عنوان نیمی از آحاد جامعه مشارکت آنان در بنای جامعه بسیار مهمی و اساسی تلقی می گردد. بی شک کوتاهی در این امر جامعه را از نیمی از توان آینده سازش محروم می سازد. دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد در آخرین گزارش خود (۲۰۰۹) اقدام به تهیه گزارشی از اقدامات کشورهای تحت مطالعه پیرامون میزان پایبندی و اهتمام دولت‌ها در زمینه تحقق اهداف برنامه‌های توانمندسازی جنسیتی نموده که در آن به میزان مشارکت و دخالت زنان در سیاست توجه ویژه‌ای شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیقات انجام گرفته در کشورهای خاورمیانه، حضور زنان در عرصه سیاسی و نیز مشارکت سیاسی آنان نسبت به مردان پایین بوده است که دلایل آن، بسیار و شاید مهم ترین آنها مردسالارانه بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و همچنین محدودیت‌های عرفی و شرعی می باشد که مانع از حضور پررنگ و چشمگیر زنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مهم تر از همه طرز نگرش جامعه نسبت به حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پیشگاهی‌فرد و زهدی‌گهرپور، ۱۳۸۹: ۴۴-۲۵). بر همین اساس، ایران از حیث مشارکت زنان در مدیریت وضع مطلوبی ندارد.

مساله اینجاست روند حضور سیاسی و احراز سمت‌های مدیریتی پس از انقلاب نشان از آن دارد که به رغم نقش مفیدی که زنان در روند انقلاب و پیروزی آن داشته اند در مراحل مختلف تصمیم گیری و تصمیم سازی مدیریت‌های کلان و میانی و خرد امکان حضور پیدا نکرده اند، حال باید پرسید علت کم رنگی مشارکت زنان در فعالیت سیاسی اجتماعی چیست؟

۲. اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق

موضوع زن در وضعیت اجتماعی، سیاسی کنونی کشورهای اسلامی نه یک بحث نظری بلکه موضوع زنده است. زنان در پرتو انقلاب اسلامی هویت از دست رفته خویش را باز می یابند و زنان ایرانی در پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران پیش از انقلاب تمام توان خود را به منصفه ظهور رسانیدند.

زنان بخش قابل توجهی از جامعه را تشکیل می دهند لذا هیچ فعالیتی نمی تواند به موفقیت انجامد مگر این که نقش زنان توسعه یابد و آنان به موفقیت‌های خود که همانا کرامت انسانی است دست یابند. هیچ توسعه ای امکان پذیر نیست مگر آنکه زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور از فرصت‌های مناسبی در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی برخوردار باشند. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، سابقه طولانی دارد، چنانکه کرارا در تاریخ اسلام به مواردی برمی خوریم که زنان بزرگی چون حضرت خدیجه کبری(س)، حضرت فاطمه(س) دختر گرامی پیامبر(ص) و زینب دختر گرامی حضرت علی(ع) و دیگر بانوان مسلمان با مشارکت فعال در صحنه‌هایی که ضرورت می یافت، از طریق خطابه، مبارزه و حمایت از مقام رسالت و امامت و ولایت، نقش‌های مؤثری ایفاء می کردند. اما در دوره‌های اخیر، بسیاری از صاحب نظران، سابقه جنبش و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را از دوران انقلاب فرانسه به بعد می دانند و ضرورت مشارکت زنان از این دوران به بعد است که شدیداً مورد توجه نویسندگان و صاحب نظران قرار می گیرد. نویسنده کتاب جامعه شناسی سیاسی، رویکردهایی چون تقیّد به سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه مردسالار، محدودیت فعالیت زنان به خانه داری و شوهرداری را از عوامل کارآمد در وضعیت سنتی و غیر سیاسی زنان در جامعه سنتی ایران معرفی می کند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۹۰).

با توجه به اهمیت تحقیق می توان ادعا کرد که مشارکت فعال زنان به‌عنوان نیمی از اعضای جامعه ضامن حفظ و تداوم پیروزی انقلاب اسلامی می باشد و نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند و در پرورش و تربیت نیمی دیگر نقش اساسی دارند و بدون مشارکت این قشر عظیم، هیچ جامعه ای به قله‌های پیشرفت و توسعه نخواهد رسید. و با عنایت به نقش حساس و حیاتی زنان در صحنه‌های گوناگون جامعه و با بهره گیری از توان آنهاست که می توان به پیشبرد اهداف برتر نظام جمهوری اسلامی دست یافت.

۳. اهداف تحقیق

هدف هر پژوهش و تحقیق علمی، کوشش‌های سازمان یافته‌ای می‌باشد که پژوهشگر را به سمت کشف یک سری از حقایق در رابطه با موضوع خاص یا مطالب مورد کار نظر می‌کشاند.

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

۱-۳. اهداف اصلی: تحقیق شامل بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین نقش مشاقت زنان در توسعه سیاسی و پیشرفت در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه می باشد.

۲-۳. اهداف فرعی: اهداف جزئی همان فرضیه‌های تحقیق می باشد که رابطه بین دو متغیر را می سازند.

۱. شناخت تاثیر میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد آزادشهر؛
۲. شناخت تاثیر وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد آزادشهر؛
۳. شناخت تاثیر سن و مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد آزادشهر؛
۴. شناخت تاثیر انگیزه زنان شاغل و مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد آزادشهر؛
۵. شناخت تاثیر ایجاد افزایش تشکل‌های سیاسی باعث مشارکت سیاسی زنان شاغل دانشگاه آزاد آزادشهر.

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱-۴. فرضیه اصلی: رابطه‌ای بین عوامل و ویژگی‌های جمعیت شناختی فرد و مشارکت زنان شاغل وجود دارد.

۲-۴. فرضیه‌های فرعی

۱. آیا رابطه‌ای بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد؟
۲. آیا رابطه‌ای بین وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد؟
۳. آیا رابطه‌ای بین سن و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد؟
۴. آیا رابطه‌ای بین انگیزه زنان شاغل و مشارکت سیاسی زنان وجود دارد؟
۵. آیا رابطه‌ای بین ایجاد افزایش تشکل‌های سیاسی باعث مشارکت سیاسی زنان وجود دارد؟

۵. ادبیات و پیشینه تحقیق

موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و سابقه پیشینه مشخصی از آن در دست نیست نظام‌های عشیره و دودمانی در شکل‌گیری و تشکل دولت‌های حاکم بر سرزمین ایران نقش داشته اند به طوری که هرگونه حضور سیاسی امری غیر ممکن بود. در دوران اشکانیان و تا پایان دوره ساسانیان تنها مشارکتی که بتوان از آن نام

برد آن است که فقط به هنگام یورش‌های اقوام بیگانه بود که مردم در لباس‌های سپاهی گری به مقابله خواهند می‌شوند و این تنها مشارکتی بود که در امر حکومت داشتند (فرهیخته والا، ۱۳۷۷: ۵۶).

مشارکت در نظام سیاسی با آنکه به گونه فراگردی تکاملی پدید نیامد ولی با گذر زمان و در رویارویی یا انبوهی از دشواری‌ها چنان رشد و بالندگی یافت که سرانجام مردمان توانستند در تعیین سرنوشت خویش اختیار پیدا کنند و در طراحی آینده خود مشارکت جویند. زنان فعال و مسلمان ایران که در سال (۱۳۴۵) ۷۸۴۱ هزار نفر تقریباً با متوسط رشد سالانه ۲/۶ درصد به ۱۸۱۷۸ نفر در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته‌اند، با رشدی معادل ۲/۷ درصد است وارد عرصه مشارکت و توسعه شده‌اند. این درحالی است که این سهم در اغلب کشورهای جهان بین ۳۵ تا ۴۵ درصد است و طبق مطالعات انجام شده در سال‌های آتی این روند، پایدار نخواهد ماند و زنان با سرعت بیشتری وارد بازار کار خواهند شد. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت فعال زنان ایران از ۲۴۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ با متوسط رشد سالانه ۷/۵ درصد به ۳۵۳۶ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش یابند. اما با این حال در ارتباط با مساله مشارکت سیاسی زنان تاکنون از زبان و قلم نویسندگان و علاقه‌مندان در کتاب‌ها و نشریات سخنانی بسیار کوتاه و در سطح محدود آمده است که هر یک دارای اشکالاتی می‌باشد اما آنچه که در این راستا با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی زنان باید صورت گیرد، شناخت و بررسی دقیق عوامل موثر افزایش آن با در نظر گرفتن شرایط حاکم، فلسفه‌ی اجتماعی لازم و ارائه راه حل مفید و مناسب می‌باشد (قدیمی، ۱۳۸۰: ۳۰).

شکل‌گیری هر نوع رفتاری نیازمند کسب شناخت و یادگیری در مورد آن است؛ ولی هر یادگیری، الزاماً منجر به بروز رفتار نخواهد شد. پارسونز در بحث اجتماعی شدن افراد می‌گوید: «انسان در بخش ارگانیزم سه گرایش خام دارد. گرایش ادراکی که ناظر به شناخت است، گرایش ارزیابی که به خوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که باید‌ها و نبایدها را تعیین می‌کند. وقتی ارگانیزم با فرهنگ برخورد می‌کند، این گرایش‌های خام شکل می‌گیرد و نظام شخصیتی را بوجود می‌آورد و از این به بعد، نظام شخصیتی، فرد را به سوی هدف می‌راند و موجب کنش اجتماعی می‌شود. از برآیند کنش‌های اجتماعی، نظام اجتماعی شکل می‌گیرد که بیانگر یگانگی، وفاق، مشارکت حقیقی افراد باهم و اعتماد آن‌ها به یکدیگر است و فرد در این سیستم اجتماعی می‌شود» (عبداللهی، ۱۳۸۳). فرهنگ از طریق جامعه‌پذیری به عاملان

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

انتقال می‌یابد و توسط آن‌ها درونی می‌شود و این عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز می‌شود. هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۰).

مشارکت افراد در امور سیاسی به عنوان یک رفتار، در قدم اول نیازمند کسب اطلاع، ایجاد شناخت و یادگیری در خصوص اهمیت و چگونگی آن می‌باشد؛ ولی هر کسی که شناخت اولیه‌ای درباره مشارکت سیاسی کسب کرد، ضرورتاً دست به این کار نخواهد زد، چرا که زنجیره بروز رفتاری ویژه، مانند مشارکت سیاسی، اساساً نیاز به در نظر گرفتن مهارت‌هایی است که افراد دارند و نیز منابع در دسترس آنان دارد. در قالب رویکرد مدرنیزاسیون، به اعتقاد هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این فرایند از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است. کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت کرده و نگرش او را نسبت به توانایی‌اش در تاثیر نهادن بر تصمیم‌گیری مساعد می‌سازد. این نگرش‌ها، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا بی‌قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت موثر می‌افتد (راش، ۱۳۸۸: ۷۳).

به نظر هانتینگتون، از میان عوامل منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. عامل دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علایق خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. همچنین بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پرمنزلت تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف مورد نظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف نظر می‌نمایند (راش، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۵).

طبق رویکرد کنش متقابل نمادین، خصوصیات اساسی کنش اجتماعی در «خود» افراد و ادراک آن‌ها از رفتار دیگران شکل می‌گیرد. در چارچوب این رویکرد، می‌توان از نظریات مید و

کولی بهره جست. به نظر مید، «خود» هرکس، حاصل وجه نظر جمع است و هیچگونه شناسایی از خود، بدون وجه نظر دیگری و جز در منظر جمع نمی توان بدست آید (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۸).

۶. پیشینه تاریخی

پیگیری کرد. المپ دوگوژ نویسنده ی فرانسوی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه ی حقوق زن و شهروند اعلام داشت: «همچنان که زنان حق دارند که بالای چوبه دار بروند به همین سان نیز حق دارند که بالای سکوی خطابه بروند!» در طی انقلاب فرانسه زنان به تشکیل باشگاههای انقلابی پرداختند. در سال ۱۷۹۲ نویسنده ی انگلیسی به نام ماری ولستونکرافت با نوشتن رساله ی حمایت از زن توجه افکار عمومی را به موقعیت سیاسی زنان جلب کرد. در عصر روشنگری متفکرانی مانند کند و رسه و دیدرو از حقوق زنان دفاع کردند. فردیریش انگلس در کتاب «منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» اظهار داشت که سرنگونی حق مادری و مادرسالاری در نتیجه سطله مردان به معنی شکست تاریخی جنس زن بود.

در ایران پیشینه واکنش به وضعیت سنتی زنان به اواخر قرن نوزدهم و بویژه جنبش مشروطیت باز می گردد. فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیر آمیز نسب به زنان داشت و مجال فعالیت های سیاسی برای آنان باقی نمی گذاشت. روشنفکران عصر مشروطه از وضعیت تحقیر آمیز زنان و سطله مردان انتقاد می کردند. زنان در برخی جنبش های اجتماعی ایران مانند جنبش تنباکو و یا جنبش مشروطه نقش داشتند، لیکن باید گفت که چنین نقشی بیشتر تبعی بود و اغلب در حمایت از گروه های اجتماعی دیگر مثل علما و روحانیون و یا روشنفکران صورت می گرفت نه آنکه جنبش خاص زنان باشد.

۷. تعریف مفاهیم

۷-۱. مفهوم مشارکت

مشارکت^۱ از لحاظ لغوی به معنای «شرکت دادن» و یا «درگیر بودن» می باشد. مشارکت در مفهوم «شرکت کردن» یعنی انجام بخشی از مسؤولیت در اجرای یک فرآیند بطور فعال و داوطلبانه و مشارکت در مفهوم «درگیر بودن» یعنی نقش داشتن در فرآیندی که شخص به طور معمول با آن سر و کار دارد و معمولاً این نقش داوطلبانه نیست. یا به عبارتی به معنی به کار

1. Participation

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. به طور کلی مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه می باشد که در جهت معنی دادن به عمل و حرکت اجتماعی می باشد و با شرکت کردن اشخاص در فعالیتهای گروهی در جهت دست یابی به هدفهای گروهی تحقق می یابد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

۲-۷. مشارکت سیاسی

دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را چنین تعریف می کند: «مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۸۰). مجموعه راهنمایی علوم سیاسی مشارکت را چنین بیان می کند: «مشارکت سیاسی تمام فعالیتهای قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر گذارند» (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۹).

۳-۷. اشتغال

پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده است. هر یک از اندیشمندان به نوعی درباره این مساله سخن گفته اند. اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می شود. بنابراین اشتغال یعنی کارکردن در بخش دولتی و آزاد (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۱). کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشینها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می دهد و این اعمال نیز متقابلاً برانسان اثر می گذارند و او را تغییر می دهند. در واقع کار وجه اشتراک و شرط لازم زندگی انسان در جامعه است. اشتغال یا شاغل بودن یعنی اینکه افراد بخشی یا ساعاتی از اوقات فراغت خود را مشغول انجام کاری هستند، اشتغال را می توان رابطه سود بخش برای کسب درآمد تعریف کرد. بنابراین اشتغال یعنی مجموعه فعالیتهایی که در یک دوره معین در مقابل آن مزی پرداخت می شود (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۲ و ۱۸۲).

۴-۷. جامعه مدنی و مشارکت سیاسی

جامعه مدنی عبارت از جامعه ای است که همه مردم و ساکنانی که در قلمرو آن زندگی می کنند، صرفنظر از تفاوت های نژادی، قومی، مذهبی و نظایر آن بتواند آزادانه در تعیین سرنوشت جامعه خود سهیم شوند و در چارچوب قانون حق مشارکت در فعالیتهای سیاسی- اجتماعی داشته باشند. با این تعریف مشخص می شود که اساسی ترین ویژگی جامعه مدنی مشارکت

سیاسی اعضای آن است (موحد، ۱۳۸۲: ۱۸۲). مشارکت سیاسی افراد بخصوص زنان در جامعه ی ما باعث می شود که آنان برای شکل بخشیدن به فعالیت های سیاسی خود در چارچوب قانون، انجمن ها و احزابی را بوجود آورند. فعالیت انجمن های سیاسی و احزاب در روشنگری مسایل سیاسی - اجتماعی اثر گذاشته و باعث می شود سطح آگاهی و نگرش مردم درباره مسائل مختلف جامعه بالا برود. به این ترتیب با ارتقاء شعور سیاسی و اجتماعی مردم آنان بهتر می توانند به قضاوت و تصمیم گیری درباره ی رویدادهای مهم جامعه مانند انتخابات شوراها، انتخاب نمایندگان مجلس، ریاست جمهوری و نظایر آن پردازند (موحد، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

۵-۷. توسعه و مشارکت سیاسی

بین توسعه و مشارکت سیاسی رابطه ای وجود دارد هراندازه یک جامعه از شاخص های بالای توسعه یافتگی برخوردار باشد افراد آن تمایل بیشتری برای مشارکت سیاسی خواهند داشت. در جامعه ی ما زنان قشر عظیم و آینده ساز این اجتماع را تشکیل می دهند، اگر به مشارکت سیاسی بیشتر ترغیب شوند در شکوفایی بیشتر فرهنگی، اجتماعی موثر واقع شده و خواهند توانست کشوری توسعه یافته را برای نسل های آینده به یادگار گذارند. بنابراین در هر جا که مشارکت سیاسی در آن گسترده تر باشد به همان نسبت از توسعه سیاسی در سطوح پیشرفته ای برخوردار است و قطعاً در این میان، میزان مشارکت سیاسی به عنوان شاخصی برای افت و یا تحول توسعه سیاسی شمرده می شود. بنابراین باید زنان را به سوی مشارکت سیاسی سوق داد و به آنها جهت داده تا زمینه فراگیری توسعه سیاسی در کشور ایجاد گردد. پس مشارکت سیاسی یکی از عمده ترین عناصر توسعه سیاسی در هر جامعه ای محسوب می شود.

۶-۷. زنان و جامعه پذیری سیاسی

جامعه پذیری سیاسی یا اجتماعی شدن فرایند است که طی آن افراد یک جامعه با آداب و رسوم و هنجارهای جامعه خود آشنا شده و به تدریج چگونگی رفتار در موقعیت های مختلف را می آموزند. یکی از ارکان اصلی این فرایند جامعه پذیری سیاسی است، منظور از جامعه پذیری سیاسی، آشنایی و دورنی ساختن ارزش ها و هنجارهای سیاسی حاکم بر جامعه از سوی افراد و گروه های اجتماعی است (چابکی، ۱۳۷۳: ۱۰).

۷-۷. عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان

هرچند تا اینجا از حضور پایین زنان در عرصه سیاست بحث شد، در اینجا عواملی اشاره می شود که بر افزایش مشارکت زنان موثر است.

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

۱-۷-۷. آموزش: مساله آموزش بانوان نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از سویی شرایط نامطلوب و اسف بار زنان از سوی دیگر و نهایتاً توانایی‌ها و راه حل‌های خروج از مشکل مدخل و معبر و اساس متغییر این وضع است. دکتر صیف در یک پژوهش میدانی درباره زنان در ایران به اینجا می‌رسند که بین تحصیلات و علاقه مندی به مشارکت سیاسی رابطه مثبت وجود دارد. در هرکجا صحبت از آگاهی سیاسی بوده است به‌عنوان مهمترین عنصر در بهبود وضعیت زنان و مشارکت زنان در برنامه ریزی‌های اجتماعی تاکید داشت.

۲-۷-۷. ایجاد مشکل: مسائل مربوط به زنان در کنار فعالیت‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها که مسائل خاص زنان را به عنوان یکی از اهدافشان مورد توجه و تعقیب قرار می‌دهند؛ آنقدر اهمیت دارند که فارغ از گرایش‌های سیاسی خاص زنان در آن مسائل همه زنان باید مشارکت کنند (منصورنژاد، ۱۳۷۰: ۲۱۷-۲۱۵).

۳-۷-۷. نظام سیاسی و اهتمام به مساله زن: جدای از فعالیت‌های زنان وتشکل‌های زنان باید عزم دولتمردان نیز بر رفع تبعیض از زنان باشد و آگاهی و هوشیاری زنان و نیمی از افراد جامعه و مقاومت ساختارهای سیاسی حاکم جامعه را دچار بحران و چالش می‌کند و یا حداقل خواسته‌ها و فعالیت‌های زنان را بی‌حاصل و یا کم حاصل می‌کند (منصور نژاد، ۱۳۷۰: ۲۱۸).

۴-۷-۷. تغییر و اصلاح فرهنگ جامعه: برای اصلاح تلقی جامعه نسبت به زن همکاری نظر می‌طلبد که در این زمینه جرقه مهمی از سوی امام خمینی (ره) زده شد و این راه باید به سرعت و عمق بیشتری طی شده و به مقصود برسد. امام خمینی (ره) براین باور بود که زن و مرد در حکومت اسلامی آزادند حقوق آن‌ها مثل حقوق مردها، اسلام زن را از قید اسارت مردها بیرون آورد و آن‌ها را هم ردیف مردم قرار داده است. در فرهنگ سازی اصطلاح فرهنگ و تغییر فرهنگ کاری تدریجی و بطی و آرام است و در دراز مدت ثمر می‌دهد و حال آنکه ظلم‌های جامعه به صورت روزانه نیمی از جامعه یعنی زنان را رنج می‌هد و اقدامات سیاسی و تلاش سیاسی و مذهبی و مدنی فرهنگ سازی متفکران و صاحبان فرهنگ نیز اصلاح این مشکل ضروری و بلکه سازگارتر است (منصور نژاد، ۱۳۷۰: ۲۲۱-۲۲۰).

۸-۷. موانع اجتماعی

۱-۸-۷. تبعیض جنسیتی: در ایفای نقش جنسیتی زنان پایین تر از مردان قرار دارند و همین امر موجب پیش داوری جنسی و متعصبانه گردیده است. نادیده انگاشتن خواسته‌ها و نیازهای زنان و فدا ساختن آن در برابر خواسته مردان در ضمیمه ناخودآگاه زنان تا بدانجا پیش رفته

است که به یک نظام ارزشی مبدل گشته و به عنوان یک اصل اخلاقی نمود خود را در ناخودآگاه جمعی نیز تثبیت کرده است.

۷-۸-۲. آموزش نامناسب: مطالعات انجام شده درباره کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که فعالیت‌های مردانه بیش از زنان مورد تاکید قرار گرفته است. نظام‌های آموزشی در سطوح مختلف بیشتر زنان را برای کارهای خاصی تربیت می‌کنند تا جایکه امروزه مهارت را با جنسیت عجین کرده است (جانمردی، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۱).

۷-۸-۳. نبودن جنبش‌های خاص زنان: زنان در برخی از جنبش‌های اجتماعی ایران مانند تحریم تنباکو و یا جنبش مشروطه نقش داشتند لیکن چنین نقشی بیشتر تبعی بود و اغلب در حمایت از گروه‌های اجتماعی دیگر مثل علما و روحانیون و یا روشنفکران صورت می‌گرفت نه آنکه جنبش خاص زنان باشد و روی هم رفته جنبش‌های اولیه زنان در قرن نوزدهم بوسیله گروه‌های کوچک زنان تحمیل کرده طبقات متوسط به راه افتاد و طبعاً توده‌ای نبود. اکثریت زنان نسبت به آن بی تفاوت بودند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

۷-۸-۴. موانع حقوقی: موانع حقوقی جدی برای رشد زنان در قدرت سیاسی وجود دارد، مسلماً زنان مانند قبل از انقلاب حق انتخاب کردن دارند اما برای انتخاب شدن در مناصب سیاسی محدودیت آن در مقابل آنان وجود دارد. در هر حال دیدگاهی که رجال را مردان تفسیر می‌کرد دارای قدرت سیاسی بیشتری است. همچنین خود زنان هم بایستی با نگرش اساسی به مناسبات فردی نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی نسبت به توانمند سازی خود کوشا باشند و از یاد نبریم که اگر در پشت سرهم نظام‌های اجتماعی که لااقل در پشت سر مردان موفق زنان یا مادران یا همسران موفق ایستاده اند.

۷-۹. عوامل موثر بر گرایش افراد به مشارکت

به طور کلی برای اینکه افراد در امور مختلف جامعه به مشارکت بپردازند نیاز است تا برخی از عوامل در مردم؛ جامعه، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تقویت گردد. تا این عوامل باعث جذب مردم به مشارکت در امور جامعه گردند، به حال ما با توجه به این عوامل برخی از آن‌ها را که می‌توان در این مهم ما را یاری نماید اشاره می‌کنیم.

۱. مشارکت مردم باید به آنان در شناخت موانع و مشکلات کمک نماید؛
۲. مشارکت مردمی وسیله‌ای برای فعال شدن نیروی انسانی عظیم جامعه باشد؛
۳. برنامه‌های مشارکت باید باعث افزایش خلاقیت مردم و جلب همکاری بین آنان شود؛

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

۴. برنامه‌ها مشارکت باید در جهت تشویق و حمایت از نیروی فعال و جوان جامعه باشد؛
۵. هرچه میزان مشارکت افراد در واحدهای کوچکتر بیشتر صورت گیرد باعث فعال شدن و شکوفا شدن استعدادهای آنان می‌گردد؛
۶. مشارکت افراد باید وسیله‌ای برای فعال شدن نیروی عظیم انسانهای عظیم جامعه باشد؛
۷. مشارکت افراد باعث کاهش هزینه‌های جامعه و خود مردم مشارکت کننده باشد؛
۸. دسترسی به منابع متعددی برای اینکه افراد مشارکت کننده بتوانند از آن‌ها در سطوح مختلف استفاده نمایند (منصورتزاد، ۱۳۷۰: ۵۱-۵۰).

۱۰-۷. بررسی موانع مشارکت

۱۰-۷-۱. موانع فردی

مشارکت به عنوان یک رفتار انسانی از رفتارهای صرفاً بازتابی متمایز می‌شود، چراکه افراد مشارکت کننده با توجه به ویژگی‌های فردی برای رفتار خود معنای مشخصی را قائلند و بیشتر بر معیارهای درونی ذهنی تاکید می‌کند. در این گروه دو متغیر مهم باید مورد توجه قرار گیرد (ریترز، ۱۳۷۳).

۱. سطح سواد زن (به این مفهوم که از سطح سواد کمتری برخوردار هستند معمولاً مشارکت را حق خود نمی‌دانند).

۲. نگرش به زن در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حاکم در جامعه باعث شده که کار زن را وابسته به خانه دانسته (تقسیم کار سنتی) و این نگرش سبب گردیده است که باور زنان به مقوله‌ی مردانه تلقی شود (روشه، ۱۳۷۶).

علاوه بر آن به دو ویژگی که باید به آن اشاره شود عبارتند از:

۱. ویژگی‌ای که در مشارکت سیاسی بانوان ممانعت ایجاد می‌کند عدم وجود باور و اعتقاد درونی زنان به توانایی‌ها و قابلیت‌های خودشان است و تعداد زیادی از زنان جامعه ایرانی توان فردی و تاثیرگذاری خود را باور ندارند.

۲. ویژگی دوم در زمینه موانع فردی عدم احساس ضرورت توسط زنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف است. زنان جامعه ایرانی اغلب اینگونه فکر می‌کنند که مثلاً چه فایده‌ای دارد که در فلان برنامه رای دهیم یا در فلان برنامه جلسه روزانه شرکت کنیم یا در فلان تصمیم‌گیری اظهار نظر نماییم (مرکز مشارکت امور زنان، ۳۵۱).

۷-۱۰-۲. موانع خانوادگی موثر بر میزان مشارکت: در ارتباط با این موانع متغیرهای زیر مطرح هستند:

۱. تربیت سنتی: به این ترتیب که در ساختار خانواده‌ها عموماً دختر در خانواده به گونه‌ای تربیت می‌شود که حاصل نگرش و نگاه جنسیتی به مقوله مشارکت است. وجود این نگرش باعث درگیری و در عین تسری نگاه جنسیتی در ساختار خانواده و فرزندان خواهد بود.
۲. تعداد فرزندان در خانواده: این متغیر نیز این چنین تعریف می‌شود که خانواده‌هایی که فرزندان بیشتری دارند گرایش کمتری به مشارکت دارند. گو اینکه فرصتی نیز برای این امر به دلیل تقسیم کار سنتی وجود ندارد.

۷-۱۱. وضعیت اقتصادی خانواده

شاخص‌های مطرح شده در این متغیر عبارتند از: سطح درآمد، وضع اشتغال، طبقه اجتماعی (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴).

۷-۱۲. بررسی موانع مربوط به جامعه

امروزه بسیاری از کارکردهای خانواده به جامعه واگذار شده است. اگر جامعه در انجام کارکردها خوب عمل نکند مجدداً موانع متعدد دیگری در خانواده بروز خواهد کرد که پیامد آن محدود شدن زن در حصار و چارچوب خانه خواهد بود.

کارکردهای حمایتی: منظور حمایت از کودک، جوان، بیمار، سالمند و ... توسعه جامعه است، لذا چون معمولاً این حمایت خوب و مطلوب نیست مجدداً بار این امر بر خانواده مخصوصاً زن تحمیل می‌گردد.

آموزش از طریق وسایل ارتباط جمعی: متغیر دیگری که از سوی جامعه به‌عنوان متغیر مثبت و ضروری در تغییر نگرش در مقوله مشارکت فعال زنان مطرح می‌شود نقش آموزش‌هایی است که از طریق وسایل ارتباط جمعی در جامعه لحاظ می‌گردد. از میان وسایل ارتباط جمعی تلویزیون بیشترین مخاطب را دارد در حالی که متاسفانه در اکثر برنامه‌های ارائه شده در آن تنها نقش سنتی زن القاء می‌شود و خواسته یا ناخواسته این عامل مانعی در جهت دور نگه داشته شدن زن از عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید.

۷-۱۳. نقش دانشگاه در توسعه و مشارکت سیاسی

دانشگاه‌ها از گران‌بهارترین ذخایری شناخته می‌شوند که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. امروزه این مراکز به لحاظ دارا بودن دانش و فن، در سطح جهان از اعتبار زیادی

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

برخوردارند و از عوامل عمده دگرگونی اجتماعی محسوب می شوند. نهادهای آموزش عالی باید فرهنگ و تولید و توزیع کالاهای فرهنگی به گونه ای بسط یابد که همه شهروندان برحسب نیاز و شرایط خویش، فرصت و امکان استفاده از آنها را پیدا کنند.

دانشگاه آزاد اسلامی نهادی است که اگر اهمیت اش از بسیاری از نهادهای دولتی، سیاسی، اقتصادی و بیشتر نباشد، کمتر نیست به همین سبب است که امروز کشورهایی موفق تر و پیشرفته تر هستند که دانشگاه های قوی تری نیز داشته باشند. امروزه دانشگاه موتور محرکه جامعه در ایجاد حرکت و پویایی است. این پدیده که در نوع خود در سطح منطقه و حتی جهان کم نظیر است تاکنون توانسته دستاوردهای ارزنده ای را در زمینه های علمی و آموزش و پژوهشی در سطح دانشگاهی کشور داشته باشد.

اما دانشگاه آزاد و نقش حیاتی و اساس در ایجاد تفکرات تکنولوژی و محیطی از سویی و نیز برتر علمی توسعه و ارتقاء فرهنگی آموزشی از سوی دیگر جهت رقابت اسلامی در عرصه بین المللی ایفاد می کند. نظام آموزش عالی از این جهت که نهاد تولید کننده و اشاعه دهنده علم و دانش و همچنین تربیت کننده نیروی انسانی کشور می باشد. در اعتلا و رشد زنان تاثیر بسزایی دارد. تاسیس دانشگاه ها با هدف کسب دانش باعث ارتقاء آموزش زنان و انواع مشارکت های اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی می باشد.

زنان و دختران نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می دهند و منفعل بودن آنها عملاً بهره وری جامعه را نصف کرده و راه توسعه را دو برابر طولانی و سخت تر می کند این امر را که همانا بالا بردن سطح معلومات و آگاهی های تخصصی آنها، ورود آنها به آموزش عالی و دانشگاه ها می باشد ضروری تر می نماید. لذا با گسترش واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در کشور درصد بسیار چشمگیری از بانوان وارد عرصه تلاش و فعالیت علمی - دانشگاهی شده اند. دانشگاه آزاد اسلامی در مقایسه با دیگر مراکز آموزش عالی این بستر را برای رشد علمی، فرهنگی زنان این مرز و بوم فراهم نموده است. ارتقای این ابعاد به کمک دانشگاه آزاد اسلامی در زنان جامعه باعث بهبود وضعیت اقتصادی، بهبود ارتباطات اجتماعی، مشارکت های سیاسی، بهداشت جامعه و تربیت فرزندان بهتر و تحکیم بنیان خانواده می شود.

۸. روش تحقیق

این پژوهش از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است که در محدوده زمانی نیمه دوم سال ۱۳۹۵ تا نیمه دوم سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است. شیوه اجراء، پیمایشی و مکان پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر است.

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان شاغلی است که در مدت زمان تحقیق، در دانشگاه شاغل هستند. براساس این پژوهش تعداد زنان ۶۴ نفر بوده است.

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، روش کل شماری است و به این معنی که چون جامعه آماری ۶۴ نفر بودند به همین علت از تمام افراد جامعه برای نمونه استفاده شده که همان روش کل شماری یا حجم برابر جامعه می باشد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

با توجه به ماهیت موضوع، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. سؤالات پرسشنامه تحقیق، براساس چهارچوب نظری، مفاهیم و متغیرهای به کار رفته در فرضیه‌های مطروحه و با بازبینی پرسشنامه‌های تحقیقات مشابه طراحی شده است. قبل از اجرای عملیات نهایی، ابتدا پرسشنامه توسط چند متخصص علوم اجتماعی، مورد ارزیابی جدی قرار گرفته و بعد از پاره‌ای اصلاحات، برای پیش آزمون آماده شد. پرسشنامه نهایی با ۲۳ سؤال باز و بسته طراحی و مورد استفاده قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت و برای بررسی وجود روابط و نوع و شدت رابطه بین متغیرها، با توجه به سطوح سنجش هر یک از متغیرها، آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون آنوا و رگرسیون به اجراء گذاشته شد.

۹. متغیرهای تحقیق

۱-۹. متغیرهای مستقل: ۱. تحصیلات؛ ۲. تاهل؛ ۳. سن؛ ۴. انگیزه زنان شاغل؛ ۵. تشکل‌های سیاسی.

۲-۹. متغیر وابسته: مشارکت سیاسی زنان.

۱۰. پایایی ابزار اندازه‌گیری

پایایی در این پروژه تحقیق عبارت است از اینکه سؤالات مطروحه به سنجش مشارکت سیاسی زنان از دقت، هماهنگی و اعتماد برخوردارند هستند؟ اگر این مشارکت سیاسی زنان

_____ بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

مجدداً تکرار شود آیا نتایج مشابه منجر خواهد شد؟ برای تعیین پایایی سوالات مطروحه در این پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ بهره گیری شد. ارزش محاسبه شده یا آلفای کرونباخ برابر ۹۳ درصد می باشد که بیانگر پایایی بالای پرسش های مطروحه در پرسشنامه است.

۱۱. یافته های تحقیق

۱۱-۱. بخش اول: جدول آمار توصیفی جمعیت شناختی گروه نمونه

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصدی افراد گروه نمونه بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی تحصیلات، تاهل، سن

درصد	فراوانی مطلق	مولفه ها	
۱۴,۱	۹	دیپلم و زیر دیپلم	تحصیلات
۹,۴	۶	کاردانی	
۱۸,۸	۱۲	کارشناسی	
۵۷,۸	۳۴	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۱۷,۲	۱۱	مجرد	تاهل
۷۹,۷	۵۱	متاهل	
۳,۱	۲	مطلقه	
۱۸,۸	۱۲	۲۰-۲۹	سن
۵۷,۸	۳۷	۳۰-۳۹	
۲۳,۴	۱۵	۴۰ سال به بالا	

از اطلاعات مندرج در جداول بدست آمده می توان اظهار نظر نمود که از کل پاسخ گویان ۵۷,۸ درصد دارای تحصیلات در مقطع ارشد و بالاتر هستند و از این تعداد بیشترین افراد شرکت کننده متاهل هستند که به میزان ۷۹,۷ درصد می باشد و که از کل پاسخگویان در افراد در گروه سنی ۳۰-۳۹ با ۵۷,۸ درصد قرار دارند و از این تعداد افراد انگیزه ۴۲,۲ درصد زنان شاغل برای مشارکت مثبت بالاتر از دیگر گروه ها می باشد که با توجه به همین آمارهای بدست آمده ۳۴,۴ درصد افراد با شرکت در تشکلهای سیاسی موافق هستند و تمایل به شرکت در این تشکلهای را دارند.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصدی افراد گروه نمونه بر حسب متغیرهای انگیزه زنان شاغل،
تشکل‌های سیاسی

مولفه‌ها	فراوانی مطلق	درصد
انگیزه زنان شاغل	کاملاً موافق	۲۷
	موافق	۲۱
	بی نظر	۱۰
	مخالف	۵
	کاملاً مخالف	۱
تشکل‌های سیاسی	کاملاً موافق	۲۲
	موافق	۲۱
	بی نظر	۱۱
	مخالف	۷
	کاملاً مخالف	۳

جدول (۳): ضریب همبستگی میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان

جدول ضریب همبستگی پیرسون	
مشارکت سیاسی زنان	میزان تحصیلات
همبستگی پیرسون	۰/۸۵**
سطح معناداری	۰,۰۰۰
کل	۶۴

با توجه به جدول میزان همبستگی فرضیه اول $0/85^{**}$ می باشد و با توجه به اینکه سطح معنی داری در این آزمون برابر $sig=0/000$ شده است و به دلیل اینکه $(sig < \alpha)$ و $\alpha = 0/05$ می باشد فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود که با اطمینان ۹۹ درصد بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود دارد و می توان به این معنی تفسیر کرد هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر باشد به همان میزان مشارکت سیاسی آنان افزایش می یابد

بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

جدول (۴): آزمون ANOVA میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان

نوع آزمون	گروه‌های تحصیلی	تعداد	میانگین	مقدار ANOVA	سطح معناداری	نتیجه
ANOVA	دیپلم و زیر دیپلم	۹	۱,۱۱	۴۳۸,۸۱۴	۰,۰۰۰	تفاوت معنادار است
	کاردانی	۶	۱,۰۳			
	کارشناسی	۱۲	۱,۶۹			
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۷	۱,۹۵			

جدول (۵): ضریب همبستگی تاهل و مشارکت سیاسی زنان

جدول ضریب همبستگی پیرسون		تاهل
مشارکت سیاسی زنان		
همبستگی پیرسون	۰/۳۲۱**	
سطح معناداری	۰/۱۴۵	
کل	۶۴	

با توجه به جدول میزان همبستگی فرضیه دوم $0/32^{**}$ می باشد و با توجه به اینکه سطح معنی داری در این آزمون برابر $sig=0/145$ شده است و به دلیل اینکه $(sig < \alpha)$ و $\alpha = 0/01$ می باشد فرضیه H_0 تایید و فرضیه H_1 رد می شود که می توان گفت بین تاهل و مشارکت سیاسی افراد رابطه وجود ندارد، یعنی تاهل عامل بازدارنده مشارکت سیاسی زنان می شود.

جدول (۶): آزمون ANOVA وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی زنان

نوع آزمون	وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	مقدار ANOVA	سطح معناداری	نتیجه
ANOVA	مجرد	۱۱	۱,۳۵	۰,۵۷۹	۰,۳۰۲	تفاوت معنادار نیست
	متاهل	۵۱	۱,۵۹			
	مطلقه	۲	۱,۰۴			

جدول (۷): ضریب همبستگی سن و مشارکت سیاسی زنان

جدول ضریب همبستگی پیرسون	
مشارکت سیاسی زنان	
همبستگی پیرسون	۰/۹۸**
سطح معناداری	۰,۰۰۰
کل	۶۴

با توجه به جدول میزان همبستگی فرضیه سوم $0/98^{**}$ می باشد و با توجه به اینکه سطح معنی داری در این آزمون برابر $sig=0/000$ شده است و به دلیل اینکه $(sig < \alpha)$ و $\alpha = 0/05$ می باشد فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود که با اطمینان ۹۹ درصد بین سن و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی هرچه سن افراد بالاتر باشد به همین ترتیب مشارکت سیاسی هم در افراد نمود بیشتری دارد و افزایش بیشتر می شود.

جدول (۸): آزمون ANOVA سن و مشارکت سیاسی زنان

نتیجه	سطح معناداری	مقدار ANOVA	میانگین	تعداد	گروه های سنی	نوع آزمون
تفاوت معنادار است	۰,۰۰۱	۵۲,۵۱۴	۱,۴۶	۱۲	۲۰-۲۹ سال	ANOVA
			۱,۸۹	۳۷	۳۰-۳۹ سال	
			۱,۷۵	۱۵	۴۰ سال به بالا	

جدول (۹): ضریب همبستگی انگیزه زنان شاغل و مشارکت سیاسی زنان

جدول ضریب همبستگی پیرسون	
مشارکت سیاسی زنان	
همبستگی پیرسون	۰/۴۸۶**
سطح معناداری	۰/۰۰۱
کل	۶۴

با توجه به جدول میزان همبستگی فرضیه چهارم $0/486^{**}$ می باشد و با توجه به اینکه سطح معنی داری در این آزمون برابر $sig=0/001$ شده است و به دلیل اینکه $(sig < \alpha)$ و $\alpha = 0/05$

بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

می‌باشد. فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود که با اطمینان ۹۹ درصد بین انگیزه زنان شاغل و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی زنان شاغل با توجه به در اجتماع حضور داشتن و فعالیت‌های اجتماعی خود، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های سیاسی دارند و بیشتر موفق هستند در این زمینه.

جدول (۱۰): آزمون ANOVA زنان شاغل و مشارکت سیاسی زنان

نوع آزمون	انگیزه زنان شاغل	تعداد	میانگین	مقدار ANOVA	سطح معناداری	نتیجه
ANOVA	کاملاً موافق	۲۷	۱,۹۹	۴۳۸,۸۱۴	۰,۰۰۰	تفاوت معنادار است
	موافق	۲۱	۱,۶۷			
	بی نظر	۱۰	۱,۶۳			
	مخالف	۵	۱,۲۲			
	کاملاً مخالف	۱	۱			

جدول (۱۱): ضریب همبستگی تشکل‌های سیاسی و مشارکت سیاسی زنان

جدول ضریب همبستگی پیرسون	
مشارکت سیاسی زنان	
همبستگی پیرسون	۰/۷۶۴***
سطح معناداری	۰/۰۱۰
کل	۶۴
تشکل‌های سیاسی	

با توجه به جدول میزان همبستگی فرضیه پنجم $۰/۷۶۴^{***}$ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در این آزمون برابر $sig=۰/۰۱۰$ شده است و به دلیل اینکه $sig < \alpha$ و $\alpha = ۰/۰۱$ می‌باشد فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود که با اطمینان ۹۹ درصد می‌گوییم که تشکل‌های سیاسی و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی زنانی که در تشکل‌های سیاسی شرکت بیشتری دارند بیشتر ترغیب می‌شوند که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند و بیشتر از بقیه زنان موفق تر هستند.

جدول (۱۲): آزمون ANOVA تشکل‌های سیاسی و مشارکت سیاسی زنان

نوع آزمون	تشکل‌های سیاسی	تعداد	میانگین	مقدار ANOVA	سطح معناداری	نتیجه
ANOVA	کاملاً موافق	۲۲	۱,۷۹	۴۳۸,۸۱۴	۰,۰۰۰	تفاوت معنادار است
	موافق	۲۱	۱,۶۳			
	بی نظر	۱۱	۱,۲۶			
	مخالف	۷	۱,۱۰			
	کاملاً مخالف	۳	۱,۰۲			

جدول (۱۳): آزمون کای اسکوئر در خصوص بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

نوع آزمون	متغیرها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
کای اسکوئر	تحصیلات	۱۵,۳۷	۰,۰۰۸	رابطه وجود دارد
	وضعیت تاهل	۴,۲۶	۰,۶۳۷	رابطه وجود ندارد
	سن	۲۸,۳۵	۰,۰۰۰	رابطه وجود دارد
	انگیزه زنان شاغل	۳۹,۵۱	۰,۰۰۰	رابطه وجود دارد
	تشکل‌های سیاسی	۳۹,۲۸	۰,۰۰۰	رابطه وجود دارد

۱۱-۲. بخش دوم: مدل رگرسیونی متغیرها

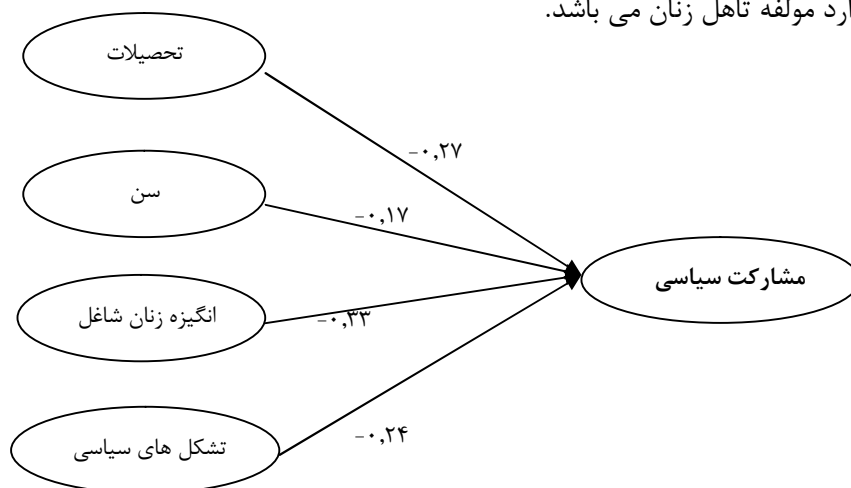
در تحلیل رگرسیونی چند متغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آن‌ها مشخص می‌گردد. جدول زیر مدل رگرسیونی چند متغیره مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد.

بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت سیاسی زنان شاغل...

جدول (۱۴): مدل رگرسیونی چند متغیره افزایش مشارکت سیاسی زنان

متغیرهایی که وارد معادله شده اند					
سطح معنی داری T	مقدار T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	-۷/۷۰۴	-۰/۲۷	۰/۵۸۸	-۴/۵۳۴	میزان تحصیلات
۰/۰۰۰	-۴/۸۴۴	-۰/۱۷	۰/۲۵۰	-۱/۲۱۰	سن
۰/۲۱۰	-۷/۵۷۲	-۰/۲۰	۰/۱۷۲	-۱/۳۰۲	وضعیت تاهل
۰/۰۰۲	-۰/۷۱۳	-۰/۳۳	۰/۷۱۰	-۲/۲۰۷	انگیزه زنان شاغل
۰/۰۰۰	-۱/۱۵۰	-۰/۲۴	۰/۳۵۷	-۵/۵۱۶	تشکل های سیاسی
عرض از مبدأ (Constant) ۳۷/۶۴۲ - ۴/۵۰۴ ۱۶۹/۷۴۲ ۰/۰۰۰					

همان گونه که در جدول ملاحظه می شود، و باتوجه به ضریب بتای بدست آمده می توان چنین استنباط کرد که از بین متغیرهای موجود بیشترین تاثیر را متغیر انگیزه زنان شاغل می گذارد برای مشارکت سیاسی زنان و بعد از آن متغیر تحصیلات تاثیر واضح تری دارد و بعد از آن تشکل های سیاسی که زنان را به سوی مشارکت سیاسی سوق می دهد و بعد از این سه مولفه مهم ، مولفه سن را می بینیم که تاثیرگذار است و بعد از آن در آخرین مولفه ای که تاثیر دارد مولفه تاهل زنان می باشد.



نتیجه گیری

مطابق نظریه‌های موجود در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی» (آبرامسون، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه است. نتایج تحقیقات انجام شده در ایران (چابکی، ۱۳۸۱؛ بشیریه، ۱۳۸۲؛ راش، ۱۳۸۱؛ لهسایی زاده و باور، ۱۳۸۱ و سیادت نسب، ۱۳۸۰) نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی زنان، اغلب منفعلانه و در سطح توده است.

در پژوهش حاضر و در فرضیه اول مشخص شد که بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود دارد، یعنی هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر باشد به همان میزان مشارکت سیاسی آنان افزایش می‌یابد. و در فرضیه دوم بین تاهل و مشارکت سیاسی رابطه معنی داری وجود ندارد و شاید بدان معنی باشد که تاهل زنان عامل بازدارنده در مشارکت سیاسی زنان می‌باشد. در فرضیه سوم بین سن و مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود دارد، یعنی هر چه سن افراد بالاتر باشد مشارکت سیاسی آن نمود بیشتری خواهد داشت. در فرضیه چهارم بین انگیزه زنان شاغل و مشارکت سیاسی آن‌ها رابطه معنی داری وجود دارد که آزمون آن‌ها مربوط به فرضیه چهارم گویای این معنی داری است، زنان به خاطر شغل شان که در اجتماع حضور دارند مشارکت بیشتری در فعالیت سیاسی از خود نشان می‌دهند. و در فرضیه پنجم، مشاهده شده که بین تشکل‌های سیاسی و مشارکت زنان رابطه معنی داری وجود دارد، یعنی زنانی که در تشکل‌های سیاسی فعالیت دارند بیشتر ترغیب می‌شوند در فعالیت‌های سیاسی حضور پیدا کنند.

فهرست منابع

آبرامسون، پل (۱۳۸۳). *مشارکت سیاسی*، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نشرنی.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- پیشگاهی فرد، زهرا و زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی»، فصلنامه زن در جامعه، شماره اول، بهار، صص ۴۴-۲۵.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰). **جامعه شناسی کار و شغل**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: نشر سمت.
- جانمردی، محوش (۱۳۷۹). **زنان مقرویان**، دنیای سیاست، روزنامه همشهری، ۲۱۲۳.
- جورج، ریتزر (۱۳۷۳). **بیگانگی اجتماعی و فرهنگ سیاسی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۷۳). «نقش عوامل روانشناختی در مشارکت سیاسی زنان»، در مجموعه مقالات **همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۲۶۵-۲۳۸.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۱). «راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی»، در **سمینار مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- حجازی، اله؛ سرمد، زهره و بازرگان، عباس (۱۳۸۱). **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران، انتشارات آگاه.
- راش، مایکل (۱۳۸۸). **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- روشه، گی (۱۳۷۶). **جامعه شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده**، تهران: انتشارات: سروش.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). **جامعه شناسی اشتغال زنان**، تهران: معاونت هنری تبیان.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). «مسائل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، **مجله جامعه شناسی**، شماره ۱۸، تابستان، صص ۹۹-۶۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). **زنان در عرصه عمومی (عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی)**، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- فرهیخته والا، آذرمیدخت (۱۳۷۷). «موانع تاریخی مشارکت سیاسی در ایران»، **همایش جمهوریت و انقلاب اسلامی**، تهران: سازمان ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- قدیمی، اکرم (۱۳۸۰). **زن، مشارکت و توسعه**، تهران: جهان اجتماعی.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۱). بررسی نگرش شهروندان تهران نسبت به زنان، تهران: انتشارات مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.

مصفا، نسرين (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.

منصور نژاد، محمود (۱۳۷۰). مساله زن در اسلام و فمینیسم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات.

موحد، مجید (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن»، مطالعات زنان، شماره ۳، زمستان، صص ۲۸-۳.